

**Examining the role of Sheikh Hussein Yazdi in the establishment
and development of new schools**

Ali Akbar Jafari Nadoushan¹

Received: 24 April 2025

Reception: 26 July 2024

Abstract:

Sheikh Hossein Yazdi, a constitutional jurist and mujtahid and a representative of the first periods of the National Consultative Assembly, in addition to his religious and political activities during the constitutional era, played a prominent role in encouraging and establishing new schools. In addition to supporting the establishment of new schools and removing traditional obstacles, he was also one of the pioneers in establishing the first girls' schools and rural schools in the country. The importance of examining the role of the leading clergy in the constitutional movement and the scientific and educational institutions that emerged from it led us to reveal for the first time, in a library study and especially by examining the documents and text of the National Consultative Assembly's negotiations, the effective role of this mujtahid representative of the Assembly in formulating educational laws and regulations and allocating the necessary budget for the Ministry of Education and establishing new schools. Supervision of schools and educational centers and special attention to establishing the first teachers' colleges and teacher training colleges to provide and train teachers for new schools, which he carried out with great seriousness during the turbulent decade of 1290, indicate that this constitutionalist cleric saw the deepening and continuation of constitutionalism in the expansion of education, knowledge, and culture

Sheikh Hossein Yazdi, Constitutionalism, National Assembly, New Schools, Ministry of Education

¹Associate Professor, Department of Private Law, Political Sciences and History, Yazd University, Yazd, Iran

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.531052.1305>

بررسی نقش شیخ حسین یزدی در تاسیس و توسعه مدارس جدید

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۴

علی اکبر جعفری ندوشن^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۴

چکیده:

شیخ حسین یزدی، فقیه و مجتهد مشروطه خواه و نماینده ادوار نخست مجلس شورای ملی، علاوه بر فعالیت های مذهبی و سیاسی در دوران مشروطیت، نقش ممتازی در تشویق و تاسیس مدارس جدید داشت. او علاوه حمایت از تاسیس مدارس نوین و رفع موانع سنتی آن، خود نیز از پیشگامان تاسیس اولین مدارس دخترانه و مدارس روستایی کشور بود. اهمیت بررسی نقش روحانیت پیشرو در نهضت مشروطیت و نهادهای علمی و آموزشی برآمده از آن، موجب شد تا برای نخستین بار در مطالعه ای کتابخانه ای و بویژه با بررسی اسناد و متن مذاکرات مجلس شورای ملی از نقش موثر این نماینده مجتهد مجلس در تدوین قوانین و مقررات آموزشی و تخصیص بودجه لازم برای وزرات معارف و تاسیس مدارس جدید پرده برداریم. نظارت بر مدارس و مراکز آموزشی و اهتمام ویژه در تاسیس اولین دارالمعلمین و دارالمعلمات جهت تامین و تربیت معلمان مدارس جدید، که در دهه پرآشوب ۱۲۹۰ توسط وی با جدیت صورت می گرفت، حاکی از آن است که این روحانی مشروطه خواه، تعمیق و تداوم مشروطیت را در گسترش آموزش دانش و فرهنگ می دیده است.

کلیدواژه‌ها: شیخ حسین یزدی، مشروطیت، مجلس شورای ملی، مدارس جدید، وزرات معارف.

تأسیس مدارس جدید یکی از جلوه های موثر تجدد در ایران معاصر بود که با چالش های زیادی از سوی سنت گرایان مواجه شد. مخالفت های شدیدی که با تأسیس و فعالیت مدارس رشدیه در اواخر عصر ناصری بعمل آمد و موانع فرهنگی و مذهبی که بویژه بر سر تأسیس مدارس دخترانه در گرفت، موجب شد تا جهت تسهیل فرایند تأسیس و توسعه این مدارس جدید نخبگان علمی با استمداد از علمای روشن اندیش و معارف پرور دینی در صدد حمایت از مدارس جدید بر آیند.

از همین رو بود که هم زمان با فعالیت مدرسه رشدیه، چندین مدرسه دیگر نیز در تهران و برخی شهرها تأسیس شد و روحانیون موثری چون سید محمد طباطبائی، شیخ هادی نجم آبادی و شیخ حسین یزدی در صدد تأسیس و و یا پشتیبانی از آنها برآمدند. در این میان شیخ حسین یزدی به جهت موقعیت ممتاز علمی و سیاسی اش و هم از آن رو که به کمک خانواده اش در تابو شکنی تأسیس اولین مدارس دخترانه اهتمام ورزید، واجد نقش موثرتری است. که می کوشیم بر مبنا اسناد و مدارک تاریخی نقش و تاثیر این روحانی روشن اندیش را در بنیان مدارس جدید بررسی کنیم تا ضمن تبیین تاثیر علمای پیشرو در آموزش و پرورش نوین، به تدوین تاریخ نهاد آموزش و پرورش که نقش موثری در ایران معاصر داشته مدد رسانیم.

۲) زیست و زمانه شیخ حسین یزدی

شیخ محمدحسین یزدی فرزند ملا علیرضا جلال الدین ابن حاج ملاجعفر بن حاج ملا جلال الدین ندوشنی^۱ فقیه نامدار عصر صفوی است. این سلسله عالمان دینی جملگی از فقیهان مکتب فقهاتی نجف و از مجتهدین جامع الشرایط عصر خویش شناخته می شدند که در زادگاه خود ندوشن اقامت داشتند و چون بسیاری از علمای بلاد محفل بحث و وعظ خود را در این دیار با آرامش برپا می داشتند. غالباً اهل هنر خوشنویسی و سنت کتابت و استنساخ بودند. از این رو دهها اثر خطی کم نظیر در قطع رحلی به خط خوش نسخ و نستعلیق از خود برجا نهاده اند

۱. از این رو شیخ حسین یزدی به یاد این جد اعلی خود در زمان ثبت نام خانوادگی، ابتدا نام خانوادگی خود و فرزندانش را در اسناد سجلی، «جلال الدین» انتخاب کرده بود و حتی نام کوچک نخستین نوه اش را نیز جلال الدین نهاده و به او مهری مضاعف می ورزید. در سال ۱۳۰۹ به جهت اشتهار شیخ حسین به «آیت الله یزدی» خود و فرزندانش نام خانودگی اش را به «یزدی ندوشنی» تغییر دادند. عموزادگان شیخ حسین یزدی که در بنیان آموزش جدید و مدارس نوین ندوشن نقش ممتازی داشتند با نام خانوادگی «جلالی ندوشن» شناخته می شوند.

که غالباً وقف مساجد جامع و قلعه ندوشن گردیده است. با توجه به عناوین این آثار از الفیه ابن مالک تا جامع عباسی و النهایه شیخ طوسی و التحریر علامه حلی و... را می توان در میان آنها دید که مراتب علمی و محافل آموزشی کاتبین و واقفین آن‌ها را آشکار می‌کند. (محمدی، ۱۳۷۶، ۳۶۱)

این عالمان دینی علاوه بر تألیف و استنساخ کتب فقهی با خط خوش خویش، مجلدات زیادی از قرآن کریم را نیز کتابت نموده‌اند. بعضی قرآن‌ها به ترجمه فارسی آراسته است. مصحف‌هایی با عناوین «آخوند ملامحمد خلف عالیجناب حاجی ملاجلال» و «علامه فهام آخوند مولانا حاجی ملاعلی ابن حاجی ملاجلال ندوشنی» و «حاج ملاعلیرضا ولد حاجی ملاجلال» واقف و کاتب آثار زیادی در مسجد قلعه ندوشن شناخته می‌شوند.

شیخ محمدحسین یزدی که در اول مهر ۱۲۳۶ ه.ش در ندوشن به و در میان چنین خاندانی به دنیا آمد. کودکی خود را در آنجا نزد پدرش ملاعلیرضا با آموزش روخوانی قرآن و حساب و ادبیات و مغنی و مطول و شرح لمعه سپری کرد سپس در پانزده سالگی برای تحصیل حوزوی از ندوشن به اصفهان نزد برادر بزرگترش ملامحمد رفت و در نزد آیه الله شریعت اصفهانی فقه و اصول و تفسیر و علوم قرآن گذراند و از دانش آموختگان مکتب اصفهان شناخته شد که ملافتح الله شریعت در حوزه اصفهان بنیان نهاده بود. شیخ حسین سپس با مهاجرت استادش شریعت اصفهانی به نجف برای ادامه تحصیل ابتدا به مدرسه سپهسالارتهران رفت. (مجله عماد، ۱۳۶۸، صص ۵۷-۵۹) و سپس راهی عتبات عالیات شد و تحصیلات عالی حوزوی را در کربلا و سامرا و نجف، نزد آیه الله حاج میرزا حبیب رشتی، آقا سید محمد فشارکی، میرزاحسین نوری، میرزا محمد حسن شیرازی (صاحب فتوای تحریم تنباکو) و سید اسماعیل صدر تا رسیدن به مرحله اجتهاد گذراند. او هم از سوی میرزاحبیب الله رشتی و هم از سوی میرزای شیرازی اجازه اجتهاد یافت و در حالی که در زهد و پارسایی متأثر از زندگی استاد خود میرزای رشتی بود، در مکتب میرزای شیرازی روحیه تتبع علمی و تفقه در نیازهای زمانه را فرا گرفت و متأثر از جنبش تنباکو به فقه سیاسی نیز گرایش یافت.

شیخ حسین در تقریر دروس فقهی و اصولی اساتید خود بسیار ساعی و زبازد بود و از این رو تقریرات متعددی از او بر جا مانده که در کتابخانه مدرسه سپهسالار تهران نگهداری می‌شود. آثار وی عبارتند از «الجامعه الغریبه»، «ان الامر بالشیء نهی عن ضده ام لا» و «اصول الفقه» که رسالاتی در اصول فقه هستند و کتابهای «مولد المجالس» و «الفقه» در ابواب مختلف فقه امامیه و همچنین کتابی

با عنوان «النورالساطع فی شرح شرایع الاسلام که در واقع شرح کتاب شرایع علامه حلی است. این آثار بعنوان نسخ خطی در گنجینه آثار خطی کتابخانه مدرسه سپهسالار (مدرسه عالی شهید مطهری) نگهداری می‌شوند. وی در این دوره با بزرگان صاحب نامی چون سیدمحمد کاظم یزدی صاحب عروه الوثقی، علامه نائینی صاحب تنبیه الاله و تنزیه المله و شیخ عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه علمیه قم و... هم درس و مباحثه بود و روابط علمی و مراودات فرهنگی و اجتماعی خود را با این بزرگان تا پایان عمر حفظ کرده بود. او با درگذشت میرزای شیرازی به جهت رونق مکتب آخوندخراسانی به حوزه نجف رفت و بیش از ۱۰ سال به درس و بحث فقهی مشغول گردید. (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۶۲، ۱۴۰) اما آن گاه که خبر شهادت برادرش ملامحمد خادم الشریعه توسط جلال الدوله حاکم یزد به او رسید به تظلم و دادخواهی راهی دارالحکومه تهران شد و ضمن دادخواهی که منجر به عزل حاکم مزبور گردید در مدرسه علمیه مروی به تدریس فقه و اصول مشغول گردید. (کاظمینی، ۱۳۸۳: ۱۵۹۷) شیخ حسین یزدی همزمان با مبارزات مشروطه خواهان، به جرگه علمای مشروطه خواه که غالباً همدرسان وی در مکتب میرزای شیرازی بودند، پیوست و با پیروزی نهضت مشروطیت در دوره های اول، دوم و سوم مجلس شورای ملی به نمایندگی علمای تهران وارد مجلس شد.

در سال ۱۳۰۴ با روی کار آمدن سردار سپه، شیخ حسین یزدی همچون اغلب علمای مشروطه خواه جهت خروج دولت مشروطه از بن بست ناکارآمدی و تشتت و دفع شر جمهوری خواهی رضاخان که آن با جمهوری لائیک آتاتورک یکسان می دانستند (فیرحی، ۱۳۹۴: ۴۱۱) با تبدیل سلطنت قاجار به پهلوی همراهی کرد و در مقام ریاست سنی مجلس موسسان با شماری از روحانیان دیگر مانند سید ابوالقاسم کاشانی، شیخ ضیاء الدین کیانوری و میرزا شهاب کرمانی، به الغای سلطنت قاجاریه رأی داد. (جعفری ندوشن ۱۴۰۰، ۱۰۸)

او در سال ۱۳۰۶ با سمت حاکم شرع با رتبه ۹ قضایی در عدلیه نوین حضور می یافت و بعنوان رئیس محکمه شرع که بر خلاف گذشته زیر نظر دادگستری بود بر صدور آرای قضایی نظارت شرعی داشت. حضور در کمیسیون های مختلف تدوین قوانین بویژه کمیسیون عدلیه طی ادوار مختلف مجلس شورای ملی از یک سو و ارتباط نزدیکی که با حوزه علمیه قم بواسطه دوستی و هم درسی با حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی داشت (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۶۲) موجب شد نقشی ممتازی در تقریب دیدگاه های عرفی و شرعی حاکم بر نظام قانونگذاری کشور

در آن ادوار نخستین مجلس ایفا کند شیخ حسین در سالهای پایانی عمرش، حاصل سالها تدریس و تحقیق خود را در موضوعات فقهی و اصولی تبویب کرد و به کتابخانه مدرسه سپهسالار (مدرسه عالی شهید مطهری) سپرد. او را بسیاری از هم عصرانش به زهد و پارسایی توصیف کرده اند. به گونه ایی که منقول است او در مصادر نمایندگی مجلس و محکمه شرع حاضر به دریافت حقوق نشد. (مدرسی، ۱۳۸۴: ۲۹۴) و تمام دارایی خود را نیز صرف خرید ساختمانی برای مداوای بیماران به سازمان شیر خورشید ایران اهدا کرد. او در سال ۱۳۱۱ از دنیا رفت و در حرم حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد. (کاظمینی، ۱۳۸۳: ۱۵۹۷)

۳) تلاش در تصویب قانون و مقررات آموزشی

در متمم قانون اساسی مشروطه، تأسیس مدارس به مخارج ملتی و دولتی و تحصیل اجباری پیش‌بینی شده بود. اصل نوزدهم قانون مذکور عنوان می‌داشت: «تأسیس مدارس به مخارج دولتی و ملتی و تحصیل اجباری باید مطابق وزارت علوم و معارف مقرر شود...» عده‌ای با اجباری بودن تحصیل مخالفت داشتند. روحانیان مجلس می‌گفتند این اصل باید عملاً تحت نظر علما باشد. اما شیخ حسین به حمایت از اصول مزبور پرداخت و در تصویب آن با اکثریت مجلس همراهی کرد. (مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، پنج‌شنبه نهم رمضان ۱۳۲۵ق) مجلس شورای ملی با حضور نمایندگان آگاه و مصممی چون شیخ حسین یزدی در شرایط دشوار دهه ۱۲۹۰ تلاش می‌کرد آموزش عمومی را ساماندهی کرده و از حمایت دولت بهره‌مند سازد. شیخ حسین یزدی که از سخنگویان فراکسیون اجتماعیون-اعتدالیون در مجلس بود در مرامنامه این فراکسیون آورده بود «توسیع دایره معارف و تسهیل طرق تحصیل و تعلیم و آزاد ساختن آن برای تمام افراد یکی از اصول مهمه است... درجات اولیه ابتدایی و تعلیم که مایه الاحتیاج معیشت افراد است باید اجباری و عمومی و مجانی باشد» (اتحادیه، ۱۳۶۱، ۱۱) شیخ حسین در مجلس اول وقتی بر سر ادامه کار و حقوق معلمین خارجی دارالفنون اختلاف پیش آمد و عده ای قصد داشتند از ادامه کار آنها جلوگیری کنند از تجدید قرارداد آنها حمایت کرد و گفت: «چندی قبل در اینجا بعضی آقایان می‌گفتند که ما جوانان تربیت شده چنین و چنان داریم و به عقیده بنده گمان ندارم که کامل باشند و به درد معلمی بخورند پس باید کترات (قرارداد) همین اشخاص تجدید شود.» (مذاکرات مجلس اول، ۶ جمادی الاولی، ۱۳۲۶)

او با همین رویکرد تمام تلاش خود را در مجلس دوم نیز که از نمایندگان بانفوذ آن به شمار می رفت، به کار بست تا در شهریور ۱۲۸۹ با تصویب قانون اداری وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه، امور به رسیدگی تمام مدارس مملکت، حتی مدارس خارجی ها را به وزارت معارف محول کند. تاسیس وزارت معارف با هدف نظام مند کردن آموزش و تدوین کتاب های درسی از جمله این تلاش های ارزشمند آن سالهاست (کنی، ۱۳۳۶، ۳۱) به تبع آن مجلس دوم در سال ۱۲۹۰ قانون اساسی وزارت معارف در ۲۸ ماده به تصویب رساند و ضمن تعریف مدرسه و انواع آن، تعلیمات عمومی و اجباری جزو وظایف دولت قرار گرفت. مذاکرات مجلس دوم، دهم ذی قعدة ۱۳۲۹ بر اساس این قانون همه دستگاه های تعلیم و تربیت دولتی و خصوصی با برنامه یکسان، زیر نظارت و حمایت دولت اداره گردد. در این قانون که دوره تعلیمات ابتدایی و متوسطه دو دوره شش ساله مقرر شده بود، دولت موظف به تاسیس دبستان و دبیرستان در سراسر کشور شد. مدارس دولتی تهران از بودجه وزارت معارف و مدارس ولایات از محل علیادات اوقاف اداره می شد. در قانون اساسی معارف، تعلیمات ابتدایی برای عموم ایرانیان اجباری اعلام شد و پدران و مادران مکلف شدند کودکان خود را از هفت سالگی به مدرسه بفرستند. البته با توجه به شرایط عمومی کشور و دسترسی نداشتن همگان به امکانات، طریق و محل تحصیل (خانه یا مدرسه) آزاد اعلام شد. همچنین در این قانون پیش بینی شد که در هر ده و محله از قصبات، یک مکتب ابتدایی دایر شود و مخارج آن را دولت، از مالیاتی که مالکان دهکده و اهالی می دهند، بپردازد. در این قانون، همچنین پیش بینی شد که مکاتب و مدارس رایگان تنها برای کودکانی باشد که مأموران رسمی محلی، بی بضاعتی آنان را تأیید کنند و دیگران باید در مدارس غیردولتی ثبت نام نمایند (قوانین و احکام، مجموعه مصوبات مجلس شورای ملی در چهار دوره تقنینیه، بی تا، ص ۴۲۵-۴۲۸).

۴) نظارت بر مدارس و تاسیس دارالمعلمین

شیخ حسین یزدی پس از تاسیس مدارس جدید از سوی مجلس شخصا بر اداره مدارس جدید نظارت می کرد. او در دوران نمایندگی مجلس علاوه بر مدارس علمیه در مؤسسات و مدارس جدید هم حضور می یافت و بر کیفیت آموزشی آنها نظارت می کرد. یکی از محصلین مدرسه سیروس در خاطرات خود آورده است: «در سر امتحان سالیانه ما مرحوم آقا شیخ محمد حسین یزدی که از مجتهدین طراز اول بود، مرحوم میرزا عبدالعظیم خان قریب و عده زیادی از فضلا

حاضر بودند. آن سال امتحان نهایی در مدرسه سیروس در سال سوم متوسطه بود که من توانستم آخر سال امتحان بدهم و قبول بشوم. خوب یادم می‌آید که مرحوم آقا شیخ محمدحسین در ذیل گواهینامه من نوشته بود: خیلی خوب از عهده امتحان تبصره برآمد. چون تبصره علامه را باز کرده بود و به من گفته بود اینجا را بخوان. گوشش هم قدری سنگین بود و من می‌بایست بلند حرف می‌زدم، وقتی خواندم خیلی خوشش آمد.» (فخرایی، ۱۳۶۳، ۵) شیخ حسین در این بازدیدها به مشکلات و نواقص مدارس جدید واقف می‌شد و از طریق مجلس با وضع قانون و پیگیری امور در وزارت معارف در صدد رفع آن بر می‌آمد. از جمله موضوعاتی که حسب تجربه مدرسه داری خانواده اش و بازرسی های خود، به آن پی برد. عدم نظارت بر عملکرد معلمان و ضعف دانش آنان بود. مشکل عمده این مدارس این بود که بسیاری از مدیران و معلمان موجود برای این شغل تربیت نشده بودند و متولیان مدارس هرکدام با ذوق و سلیقه خود برنامه‌هایی برای مدارس تنظیم و اجرا می‌کردند. چنین شرایطی به تدریج به هرج و مرج می‌انجامید یزدی کوشید در دوره وزارت دوست نزدیکش حکیم‌الملک موضوع نظارت و تربیت معلمان را به وی متذکر شود. و لذا حکیم‌الملک «اساسنامه شورای معارف» را که هیأت دولت به تصویب می‌رساند در ماده ۱۴ آن با عنوان وظایف شورای معارف در اشاره‌ای به معلمان، به شورا اختیار تصویب تنزل درجه یا عزل معلمان و رؤسای مدارس پیش بینی کرد. (نوید، روح‌بخش، ۱۳۹۹، ۴۰۷). او از همان سالهای آغازین دهه ۱۲۹۰ که بر سر تاسیس و توسعه مدارس جدید می‌کوشید در مجلس و دولت پیگیر تاسیس دارالمعلمین بود، اما روند اجرایی آن بدلیل بروز بحران های داخلی و وقوع جنگ جهانی با وقفه مواجه شد. به هر حال با پیگیری او و اصلاحگران آموزش دیگر، وزارت معارف در گام نخست اقدام به برگزاری دوره‌هایی آموزشی برای معلمان در دارالفنون کرد و در سال ۱۲۹۷ ش. تاسیس دارالمعلمین برای تربیت معلمان مورد نیاز این مدارس در هیئت دولت در غیاب و تعطیلی مجلس شورای ملی در خلال جنگ جهانی اول تصویب گردید و مراکز تربیت معلم برای پسران و دختران صورت قانونی به خود گرفت. این سال از آن جهت مهم بود که دولت رسماً برای نخستین بار به تربیت معلم در داخل مملکت پرداخت. در زمان وزارت «میرزا احمدخان نصیرالدوله» نظامنامه دارالمعلمین به تصویب شورای عالی معارف رسید و به ریاست «میرزا ابوالحسن خان فروغی» شروع به کار کرد. این مرکز نخستین محل دولتی مدرن جهت تربیت و آماده کردن معلمان برای تأمین کادر آموزشی و مدرس ایرانی در مدارس جدید به شمار می‌آمد.

۵) تاسیس مدارس دخترانه

از اواخر دوران قاجار که به تدریج مدارس جدید با دروس و برنامه‌هایی متفاوت در ایران به وجود آمدند. با موانع زیادی روبرو بودند. از جمله این که آنها را مروج بی دینی و کفر قلمداد می کردند و آن را به مثابه عامل دوری از خدا و رسول تلقی می نمودند. از این رو موسسان اولیه مدارس جدید چون میرزا حسن رشدیه از سوی متعصبین مذهبی تکفیر و تخریب می شدند (رشدیه، ۱۳۷۰، ۲۸). در صدر مشروطه مدارس جدید دخترانه با توجه به گرایشات مذهبی بسیار بالای مردم و همچنین به دلیل حساسیت فوق العاده‌ای که مردم نسبت به آنها داشتند بیشتر زیر ذره‌بین بودند، زیرا از طرفی این نوع مدارس معمولاً توسط اتباع دولت‌های بیگانه خصوصاً مبلغه‌های مسیحی (همانند مدارس بیت ایل، الپانس، جردن و فرانکوپرسان) در ایران تأسیس می شدند و علاوه بر آموزش علوم جدید در نظر مردم مروج مسیحیت در میان مسلمانان شناخته می شد لذا رفتن به مدارس با چنین پیشینه‌ای نیز قدری تردید آمیز بود. (آفاری، ۱۳۸۵، ۲۳۹) لذا تا پیش از انقلاب مشروطه هیچ مدرسه‌ای برای دختران مسلمان ایرانی تأسیس نشد. احداث مدارس دخترانه چنان تابو بود که حتی علمایی چون آیت الله طباطبایی از رهبران مشروطه که مدرسه اسلام برای پسران تأسیس کرده بود و با مخالفان مواجهه جدی داشت، از تأسیس مدرسه دخترانه پرهیز کرد. لذا بسیاری از این دختران تا سال‌ها بعد از انقلاب مشروطه نیز از حق آموزش مدرن محروم بودند (نشریه عالم نسوان، ۱۳۰۲، ش ۱، ۴) بسیاری از فرستادن دختران به مدارس جلوگیری می کردند و آن را کاری عبث و بیهوده قلمداد می کردند. از طرفی توده‌های مردم نیز خروج مکرر دختران جوان از خانه برای تحصیل را مخالف عفت و پاکدامنی قلمداد می کردند (محبوبی، ۱۳۵۷: ۴۱۲) تازه فراتر از این موارد، در عصر قاجار درس خواندن برای زنان را خطرناک و مفسده آمیز هم می دانستند. باور عامه بر این بود که سواد خواندن و نوشتن باعث می شود دختران امکان ارتباط‌های پنهانی از طریق نوشتن به دست آورند و این توانایی می تواند زنان را به فساد اخلاقی بکشاند. به همین دلیل چنین می گفتند که «به زنان نوشتن یاد ندهید تا عشق‌بازی نتوانند کرد» (کسروی، ۱۳۲۴، ۲۲) این موضوعات موجب شده بود که علما و مردم مذهبی نسبت به این مدارس حساسیت بیشتری از خود نشان بدهند.

در چنین شرایطی شیخ حسین یزدی به تشویق همسر و فرزندان جهت تحصیل و تدریس مدارس جدید پرداخت. فرزند مشهور شیخ حسین یزدی

مرتضی یزدی است که گرچه در زی طلبگی بود ولی با مهاجرت خانواده به تهران به تشویق پدرش به تحصیل علوم جدید پرداخت. او در سال ۱۲۸۶ تحصیلات مقدماتی‌اش را در مدرسه اقدسیه تهران آغاز کرد و در سال ۱۲۹۲ بعنوان شاگرد اول این مدرسه تصدیق شش ساله ابتدایی گرفت و از وی بعنوان دانش آموز نمونه تقدیر شد. او را در سال ۱۲۹۲ در مدرسه فرانسوی سن لویی در تهران ثبت نام کرد تا در آنجا زبان فرانسه بیاموزد و گواهینامه تحصیلات ابتدایی مدارس فرانسوی نیز اخذ کند. مرتضی یزدی سپس برای ادامه تحصیل راهی دارالمعلمین مرکزی و مدرسه دارالفنون شد. او که سپس جهت ادامه تحصیل در رشته پزشکی به آلمان رفت از اولین جراحان این شد. (نورمحمدی، ۱۳۹۰، ۲۵۳)

مرصع یزدی دختر اول شیخ حسین یزدی علاوه بر تحصیل علوم قدیم، علوم جدید و ریاضیات و موسیقی را در نخستین مدارس دخترانه تهران نزد طویلی آزموده آموخت و نخست در مدرسه مادرش به تدریس پرداخت و سپس از مدیران سرشناس مدارس دولتی تهران شد. (فرخ، ۲۴۵، ۱۴۰۰) دختر دوم حاج شیخ حسین نجمه یزدی تحصیلات ابتدایی را نزد مادرش در مدرسه عفتیه گذراند و چون هنوز مقطع بالاتر در این مدرسه دایر نبود به مدرسه فرانسوی فرانکو پرسیان^۲ که در فاصله نسبتاً زیادی از منزلشان بود رفت و نقل است که شیخ حسین برای ترویج فرهنگ آموزش دختران با تاکید بر ادامه تحصیل وی الاغی را اجاره می‌کرد که دخترش را هر روز این مسافت طولانی به مدرسه ببرد تا قیج مدرسه رفتن دختران در میان خانواده‌ها از بین برود و همچنین تعداد مدارس دخترانه در سطح شهر افزایش یابد^۳. البته وی در رابطه با حقوق زنان از مجتهدین پیشرو در عصر مشروطه محسوب می‌شد و هرچند در باب مواجهه موج تجدد خواهی زنان با سنت‌های حاکم بر جامعه جانب حزم و احتیاط را نیز فرو

۲. این مدرسه در سال ۱۲۸۷ ش (۱۹۰۸ م) به وسیله مسیو یوسف خان ریشارد (مؤدب الملک) تأسیس شد. او در ابتدا این مدرسه را به صورت کلاس خصوصی در منزل خود تأسیس کرد ولی با استقبال مردم چند سال بعد به یکی از اولین مدارس دخترانه عصر مشروطیت تبدیل شد. از سال ۱۲۹۵ ش عده ای از فارغ التحصیلان دختر این مدرسه برای معلمی تربیت می شدند و دیپلم خود را از وزارت معارف اخذ می نمودند. این مدرسه از سال ۱۳۱۳ ش تحت مدیریت مسیو هاز اداره می شد و پس از شهریور ۱۳۲۰ ش به نام مدرسه رازی تغییر نام داد و توسط معلمین ایرانی اداره گشت. (شیخ‌رضایی، انسیه، مدارس فرانسوی در ایران، فصلنامه گنجینه اسناد، پاییز و زمستان سال ۱۳۷۱)

۳. اسنادی از پیشینه خاندانی و سوابق دکتر مرتضی یزدی ندوشنی، مرکز اسناد ملی بوشهر،

نمی‌گذاشت اما نظرات گره‌گشای وی همواره مورد استقبال فعالان حقوق زنان در آن دوران قرار داشت. ابراهیم خواجه نوری از روزنامه‌نگاران دوره پهلوی اول و نویسنده و رجل سیاسی دهه‌های بعد در این باره می‌نویسد: «کسانی که زودتر از دیگران این منطق را اصولاً می‌پذیرفتند از لحاظ عمل آن را برای ایران زود می‌پنداشتند. عده زیادی از طلبه‌های علوم دینی و علمای واقعی بودند از قبیل آقاشیخ حسین یزدی، سنگلجی، مدرس و امثال آنها، بنده هرگز مباحثاتی که با این سه روحانی روشن ضمیر داشتم فراموش نمی‌کنم.» (نجم آبادی و...، ۱۳۸۴، ۳۰۰) از این رو بود که همسر و دختران شیخ حسین نیز از پیشگامان نظام تعلیم و تربیت نوین زنان و مروجین حقوق و آزادی آنان به شمار می‌رفتند. نجمه یزدی که خود بعدها از مدرسان و فعالان آموزش دختران شد با سرهنگ حسنتقی خان صقری ازدواج کرد و تا پایان عمر به آموزش و پرورش دختران اهتمام داشت.

همسرشیخ حسین صفیه نراقی دختر آقا میرزا مهدی نراقی از نوادگان ملا احمد نراقی بود که پس ازدواج با شیخ حسین یزدی به «صفیه یزدی» شهرت یافت. او پس از مهاجرت شیخ حسین و حمایت او از مشروطیت، متاثر از مشروطه خواهی همسرش، در شهریور ۱۲۸۵ یعنی درست یک ماه پس از پیروزی مشروطیت سلسله جلسات هفتگی در تهران جهت حمایت از حقوق زنان تشکیل داد و ظرف یکسال با حضور زنان پیشگامی همچون صدیقه دولت آبادی، شمس الملوک جواهر الکلام و دختران ناصرالدین شاه؛ تاج السلطنه و افتخارالسلطنه و مری جردن و آنی استاکنینگ زنان آمریکایی ساکن تهران و انجمن حریت نسوان (آزادی زنان) را تاسیس کردند. (آفاری، ۱۳۷۷، ۲۳)

صفیه یزدی در کوران مخالفت‌هایی که با تأسیس مدارس دخترانه صورت می‌گرفت، توانست به پشتوانه و حمایت شیخ حسین یزدی که آن زمان از مجتهدین طراز اول تهران و نماینده مجلس شورای ملی محسوب می‌شد. پایه گذار یکی از نخستین مدارس مخصوص دختران به نام عفتیه در سال ۱۲۸۹ش در خیابان سیروس تهران گردد (بامداد، ۱۳۴۸، ۲۳) تأسیس این مدرسه موجب شد که مخالفت روحانیت سنتگرا که این مدارس را مخالف اسلام و از مظاهر کفر و فرنگی مآبی می‌دانستند و به مدیران این مدارس انگ بی دینی می‌زدند تا حد زیادی فروکش نماید و مخالفان مجبور به سکوت شدند (ملکزاده، ۱۳۸۳، ۱۲۰). در واقع تأسیس مدرسه عفتیه، به نوعی مهر تأیید شاخه‌ای از روحانیت نوگرا نسبت به مدارس دخترانه بود، تأییدی ضمنی که زمینه را برای گسترش هرچه بیشتر این گونه مدارس در جامعه فراهم نمود.

صفیه یزدی در این مدرسه که نخست در مقطع دبستان دایر شد و سپس با پایمردی و حمایت خانواده‌اش تا مقطع دبیرستان و اعطای دیپلم توسعه یافت غیر از برنامه‌های معمول مدارس، درباره آموزش حقوق زنان و نقش آنان در جامعه برنامه‌های ویژه‌ای داشت. او به جهت سخنرانی‌های جسورانه‌ای که در باب حقوق و آزادی‌های زنان می‌کرد از طرف وزرات فرهنگ وقت مورد انتقاد قرار می‌گرفت. اما نفوذ و تشویق شیخ حسین یزدی موانع فعالیت‌های وی را تا حدودی رفع می‌کرد. یکی از عوامل اصلی تغییر سیمای اجتماعی ایران - بطور اعم - و دگرگونی در وضع زنان - بطور اخص - بود. خانم‌های متجدد و روشنفکر در مواقع امتحانات و جشن‌های سالانه مدارس، اجتماعاتی در صحن آموزشگاه‌ها ترتیب می‌دادند و درباره وضع زنان، کنفرانس‌های مهیج و پرشوری برگزار می‌کردند. بسیاری از زنان روشنفکر و پیشرو، از فارغ‌التحصیلان همین مدارس بودند. (شیخ الاسلام، ۱۳۵۱، ۶۶) خانم یزدی در ابتدای تأسیس مدرسه عفتیه به جهت کمبود آموزگار، فرزندان خود را نیز به تدریس فراخوانده بود و علاوه بر دختران، پسرانش محمد و مرتضی یزدی نیز به ترتیب زبان عربی و فرانسه به محصلین می‌آموختند. از معلمان دیگر این مدرسه ابوالقاسم نراقی، میرزا محمد خان نراقی بعنوان مدرس ریاضی و علوم جدید و آقا شیخ احمد اشکوری مدرس علوم دینی و عربی، بدرالملوک وثیقی، محترم لطفی و نصرت تقوی (دختر حاج سید نصرالله تقوی دادستان کل) نام برده‌اند (قویمی، ۱۳۵۲، ۱۴۳).

خانم یزدی در این مدرسه ریاست عالییه دبستان و دبیرستان را بعهدہ داشت و مروج آموزش‌های عملی خیاطی و پيله دوزی^۴، هنرهای نمایشی، تئاتر و نقاشی بود که با جدیت اجرای همه این برنامه‌ها را پیگیری می‌کرد و از این رو به جهت جدیت و جسارتی که به خرج می‌داد به «خانم رئیس» مشهور شده بود. هرچند امور اجرایی مدرسه را به دخترش مُرْصَع یزدی و خانم بدری علوی خواهر بزرگ علوی سپرده بود (دهباشی، ۱۳۸۴، ۳۱۰) و از همین رو بین خانواده یزدی و بزرگ علوی که از خاندان مشهور مشروطه خواه بودند روابط دوستانه‌ای برقرار بود که موجب شد تا بعدها بین مرتضی یزدی و برادران علوی در آلمان و ایران روابط نزدیکتری پدید آید.^۵

۴. دوختن پيله کرم ابریشم یا قطعاتی از آن روی پارچه برای تزئین یا برجسته کردن طرح رسم شده را پيله دوزی می‌گفتند. (فرهنگ بزرگ سخن)

۵. مرتضی علوی پسر ارشد ابوالحسن علوی بود که از مشروطه خواهان چپ محسوب می‌شد. ابوالحسن پس از جنگ جهانی اول به آلمان مهاجرت کرد و پس از مدتی فرزندانش مرتضی و

۶) تاسیس دبستان ناصر خسرو ندوشن

شیخ حسین یزدی در اوایل دهه ۱۲۹۰ و پس از تاسیس و ترویج مدارس دخترانه در تهران و با تمهیدات قانونی که جهت تاسیس مدارس جدید در مجلس دوم فراهم آورد. مدرسه‌ای هم در زادگاهش ندوشن تاسیس کرد. این مدرسه نخست در عمارت مهمانخانه خاندان احمدی در محله قلعه ندوشن که پیش از این مکتب خانه ملامحمد جلالی برادر شیخ حسین یزدی بود، دایر شد.^۶ در بدو تاسیس هزینه آن را از محل عایدات املاک مزروعی نیاکانی اشان تأمین می‌کردند.^۷ ولی در سال ۱۲۹۸ش حسب درخواست اهالی ندوشن جهت تاسیس مدرسه دولتی، شیخ حسین یزدی ضمن کسب مجوز این مدرسه از وزارت معارف، هزینه آن را در بودجه معارف و عایدات حق النظاره اوقاف مقرر کرد. در سال ۱۳۰۱ با قطع شدن بودجه معارف، برادرزاده‌اش شیخ محمدرضا جلالی هزینه اداره مدرسه را شخصاً می‌پرداخت تا این که در اردیبهشت ۱۳۰۴ بر اساس اسناد مجلس شورای ملی حسب درخواست اهالی ندوشن و پیگیری شیخ حسین یزدی، ماهیانه ۲۰ تومان بودجه دولتی از سوی وزارت معارف برای این مدرسه با نام دبستان ناصر خسرو ندوشن تعیین شد (مظفر مقدم، ۱۳۹۱، صص ۵۰۲ تا ۵۰۴)

رشد و رونق این دبستان از دهه ۴۰ شروع شد که حاج محمدآقا جلالی توانست نوجوانانی را که حتی مدتی از سن شروع به تحصیلشان گذشته بود و در

بزرگ علوی به او پیوستند. (شیبانی وحیدالملک، عبدالحسین، خاطرات مهاجرت، به کوشش ایرج افشار و کاوه بیات، نشر شیرازه، ۱۳۷۸) پدر بزرگ آنها نیز سیدمحمد صراف نماینده صرافان در مجلس اول بود که در آنجا با شیخ حسین یزدی مراوده داشت. مرتضی علوی از دوستان نزدیک دوران دانش آموزی و دانشجویی مرتضی یزدی در ایران و آلمان بود و در گرایش وی به تشکل‌های دانشجویی و سوسیالیستی مؤثر بود. یزدی او را سرگروه فرقه جمهوری انقلابی در آلمان می‌داند. (فرزانه، حسین، پرونده پنجاه و سه نفر، انتشارات نگاه، ۱۳۷۲، ص ۳۹۹) او در هنگام بازگشت مرتضی یزدی به ایران با ارسال کتابچه رمزی به تقی ارانی از طریق یزدی زمینه انتساب وابستگی مرتضی یزدی را به گروه ۵۳ نفر فراهم کرد. برادر کوچکتر مرتضی علوی، مجتبی بزرگ علوی نویسنده نامدار ادبیات داستانی است که با عضویت در گروه پنجاه سه نفر با دکتر یزدی در دوران زندان این گروه هم بند شد و در تاسیس حزب توده و فعالیت‌های سیاسی با دکتر یزدی همراه بود.

۶. به نقل از غلامرضا اسماعیلی راوی تاریخ شفاهی ندوشن که خود نیز در خانه حاج وکیلی روبروی مهمانخانه مکتبخانه داشت.

۷. به نقل از محمدآقا جلالی فرزند حاج شیخ محمدرضا ونوه حاج ملامحمد جلالی که در اواخر شصت معلم نگارنده در درس تاریخ بود.

کارگاههای زیلوبافی مشغول کار بودند با تشویق پدرانشان راهی مدرسه نماید و عملاً شوق و هیجانی در میان نوجوانان و جوانان به سواد و مدرسه پدید آورد که در آن سالها، دبستان ناصر خسرو با حضور کثیری از دانش آموزان با اختلاف سنی چندین سال در کلاس ها با هم روبرو شوند و حتی آنهایی که در سنین بالاتری بودند در قالب کلاسهای پیکار با بی سوادی راهی مدرسه شبانه که او برقرار کرده بود شدند.

بدین ترتیب بذری که اجداد بزرگ جلالی ها در زمین حاصلخیز تعلیم و تربیت ندوشن افشاندند بودند به دست این فرزند خلف خاندانشان به برگ و باری زرین نشست. آن مرحوم، سالهای بعد با مرحوم محمدعلی قاسمی مدرسه راهنمایی ندوشن را تاسیس کردند و سالها در آنجا نیز معلم علوم اجتماعی بود تا این که در سال ۸۲ در اثر تصادف از جهان رفت. بر سنگ مزار او حک شده است: «به سراغ من اگر می آید شهادت دهید که من دین خویش را نسبت به فرهنگ و مدرسه در این دیار ادا نموده ام».

(۵) نتیجه

تاسیس مدارس جدید و تغییر نظام آموزشی ایران یکی از پایدارترین دستاوردهای نهضت مشروطیت بود که با موانع فرهنگی و مذهبی زیادی روبرو شد. مخالفت شدید سنت گراها که در پوشش دفاع از دین و مذهب صورت می گرفت موجب شد تا برخی از علمای آگاه و روشن اندیش همچون شیخ حسین یزدی که از مجتهدان طراز اول تهران و نماینده ادوار نخست مجلس شورای ملی بود، اهتمام

ویژه ای در تاسیس و توسعه نظام آموزش جدید مصروف دارند. او که فتاوی و دیدگاه های گره گشایی در توجیه شرعی آموزش نوین داشت و از تدوین کنندگان قانون اساسی مشروطه و متمم آن محسوب می شد، در توجیه عقلی و شرعی اصل هیجدهم و نوزدهم که به حق تحصیل و اجباری بودن آن اشاره داشت و مورد مناقشه روحانیون بود کوشش فراوانی کرد و با رایزنی های گسترده خود زمینه تصویب آن را فراهم ساخت. او که با تشویق پسران و دخترانش به تحصیل در مدارس جدید، زمینه دانش آموختگی و آموزگاری آن را فراهم کرد عملاً با تاسیس مدارس جدید دخترانه و تعلیم علوم جدید و زبان خارجه به دختران زمینه توسعه مدارس دخترانه و دانش آموختگی زنان و دختران زیادی را در نسل های بعدی فراهم آورد. وی که خود به نمایندگی از طرف مجلس به بازرسی و نظارت بر مدارس جدید می پرداخت با تاکید بر تصویب قانون اساسی معارف به تشکیل وزرات معارف و تخصیص بودجه آن مدد رساند تا منجر به نظام مند شدن نظام تعلیم و تربیت در کشور گردد. تجربه مدرسه داری و نظارت بر مدارس و محافل آموزشی او را از مشوقان پیگیر تاسیس اولین دارالمعلمین و دارالمعلمات جهت تامین و تربیت معلمان مدارس جدید، ساخت. از این رو به نظر می رسد این روحانی مشروطه خواه که تعمیق و تداوم مشروطیت در میان مردم را منوط به گسترش آموزش و فرهنگ و آشنایی آنان با حقوق و آزادی های اساسی می دیدید. از همان سالهای نخستین مشروطیت اهتمام ویژه ای بر سر تاسیس و توسعه مدارس و آموزشگاههای نوین نهاد و بر حق آموزش و فعالیت اجتماعی زنان تاکید می ورزید. از این رو بود که همسر و دخترانش از اولین محصلان و معلمان مدارس دخترانه بودند و خودش از تاسیس و توسعه مدارس جدید حتی در روستاهای دوردست هم در نمی گذشت.

استناد:

جعفری ندوشن، علی اکبر. بررسی نقش شیخ حسین یزدی در تاسیس و توسعه مدارس جدید. فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.531052.1305>

منابع

- آفاری، ژانت. (۱۳۷۷) انجمن های نیمه سری زنان در نهضت مشروطه ترجمه جواد یوسفیان تهران: نشر کتابسرا
- آقابزرگ تهران (۱۳۶۲)ی، میرزای شیرازی، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- اتحادیه، منصوره، (۱۳۶۱) پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت: دوره اول و دوم مجلس شورای ملی، تهران، نشر گستره.
- اسنادی از پیشینه خاندانی و سوابق دکتر مرتضی یزدی ندوشنی، مرکز اسناد ملی بوشهر، شماره ۳/۵۰۶/۳۸۱،
- بامداد، بدرالملوک (۱۳۴۸)، زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، انتشارات ابن سینا
- جعفری ندوشن، علی اکبر (۱۴۰۰)، زندگی و زمانه شیخ حسین یزدی ندوشنی، فصلنامه فرهنگ یزد، سال ۳، ش ۹،
- دهباشی (۱۳۸۴)، علی، یادبزرگ علوی، نشر ثالث
- رشدیه، فخرالدین. (۱۳۷۰) زندگینامه پیر معارف رشدیه: بنیانگذار فرهنگ نوین ایران. تهران: نشر هیرمند
- رمضان نرگسی، رضا، سایه روشن صدیقه دولت آبادی، حوراء شماره ۴
- روحبخش، رحیم و فریده حشمتی. (۱۴۰۰) تاریخ تحولات آموزشی نوین در ایران، تهران، نگارستان اندیشه.
- سالنامه و احصائیه. (۱۲۹۷). وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه. تهران: مطبعه تهران
- شیبانی وحیدالملک (۱۳۷۸)، عبدالحسین، خاطرات مهاجرت، به کوشش ایرج افشار و کاوه بیات، نشر شیرازه
- شیخ الاسلامی، پری (۱۳۵۱)، زن در ایران و جهان، مولف

- شیخ رضایی، انسیه (۱۳۷۱) مدارس فرانسوی در ایران، فصلنامه گنجینه اسناد
- فرزانه، حسین (۱۳۷۲) پرونده پنجاه و سه نفر، انتشارات نگاه
- فرخ، مهدی (۱۴۰۰)، خاطرات سیاسی مهدی فرخ، انتشارات جاویدان
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۶۳) گفتگو با کیهان فرهنگی، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۹
- فیرحی، داود (۱۳۹۰)، فیرحی، داود، فقه و سیاست در ایران معاصر: فقه سیاسی و فقه مشروطه، نشر نی
- قویمی، فخری (۱۳۵۲)، کارنامه زنان مشهور ایران.. انتشارات وزرات آموزش و پرورش
- کاظمینی، میرزا محمد (۱۳۸۳) دانشنامه مشاهیر یزد، چاپ دوم، یزد، بنیاد فرهنگ ریحانه الرسول، جلد اول،
- کسروی، احمد. (۱۳۲۴) خواهران و دختران ما. تهران: چاپخانه تابان.
- کنی، علی. (۱۳۳۶). سازمان فرهنگی ایران. تهران: چاپخانه دانشگاه
- محبوبی اردکانی، حسین. (۱۳۵۷) تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران. ج ۱. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۳)، مصاحبه با نشریه حوزه، دوره ۲۱، ش ۱۲۵
- محمدی، ناصر (۱۳۷۶)، معرفی نسخ خطی ندوشن، مجله تحقیقات اسلامی، ش ۱
- مدرسی یزدی (۱۳۸۸) جواد، نجوم السرد بذكر علمای یزد، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی یزد
- ملکزاده، مهدی. (۱۳۸۳) تاریخ انقلاب مشروطیت (جلد اول تا سوم). تهران: انتشارات سخن.
- مظفر مقدم، احمد، (۱۳۹۱) اسناد یزد در دوره مشروطیت (ادوار دوم تا پنجم مجلس شورای ملی)، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، سند ۲۸

نجم آبادی، افسانه و سلامی، غلامرضا (۱۳۸۴)، نهضت نسوان شرق،
انتشارات شیرازه

نورمحمدی، قاسم (۱۳۹۰)، جاسوسی در حزب، جهان کتاب

نوید، مهدی و رحیم روحبخش (۱۳۹۹)، تربیت معلم به روایت اســــــــــــناد
شورای عالی معارف / فرهنگ / آموزش و پرورش، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت
دبیر شهید رجایی

مجموعه مصوبات مجلس شورای ملی در چهار دوره تقنینیه (اول، دوم، سوم و
چهارم)، بی تا، مطبعه مجلس

مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، پنج شنبه نهم رمضان ۱۳۲۵ق